

پژوهش
برنامه ای

بررسی هنرهای چوبی و بومی مازندران



معرفی: رضا کریمی

بررسی هنرهای چوبی و بومی مازندران، عنوان پژوهشی است که به کوشش دکتر مصطفی رستمی، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، و بهره‌مندی از مشاوره هنری آقایان جمشید رضایی و علی اصغر باباکوهی در سال ۱۳۸۸ در صدا و سیما مرکز مازندران، شبکه طبرستان به انجام رسیده است. پژوهش از نوع پژوهش‌های اسنادی و ویژه تولید برنامه مستند رادیویی و تلویزیونی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش توصیفی و تحلیلی بهره گرفته شده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش‌برداری پژوهشی از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مشاهده آثار هنری بوده است.

چوتاش، امید هنردوستان و مشتاقان هنر زاد و بوم را زنده نگاه می‌دارد. این پژوهش هشت فصل دارد که به اختصار در زیر آورده شده است:

- فصل اول شامل ادبیات تحقیق، طرح مسئله، ضرورت و اهمیت طرح برای صداوسیما، پرسش‌های تحقیق، فرضیه تحقیق، مبانی نظری تحقیق، اهداف تحقیق، روش تحقیق، پیشینه تحقیق، ساماندهی تحقیق، گستره تحقیق و راهنمای آوانگاری است.

- فصل دوم مطالعات تاریخی چوب تراشی (یا در اصطلاح محلی، چوتاشی) را از قرن‌های گذشته تا دوره صفویه بررسی کرده است.

- فصل سوم حوزه مردم‌شناسی و زمینه اعتقادی کارکردهای چوتاشی در فرهنگ مردم مازندران و کارکردهای چوب و چوتاشی را بررسی کرده است.

- فصل چهارم به بررسی مشخصات چوب‌های مورد استفاده در چوتاشی در این منطقه اختصاص دارد.

- فصل پنجم ابزارهای چوتاشی را که در این فن به کار گرفته می‌شود، معرفی و مطالعه کرده است.

با استناد به مطالب این گزارش پژوهشی، تا کنون چند برنامه در صدای استانی مرکز مازندران در قالب برنامه «گلبانگ» و نیز گزارش خبری در واحد اطلاعات و اخبار این مرکز تولید و پخش شده است. علاوه بر این مقرر گردیده است مستندی تلویزیونی نیز با استناد به یافته‌های این پژوهش در سیما استانی مرکز مازندران، شبکه طبرستان، تولید و پخش شود.

محدوده و گستره جغرافیایی این پژوهش، استان مازندران است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، مناطقی چون نور، چمستان، چالوس، بابلسر، آمل، بابل، قائم شهر، سوادکوه، ساری و بهشهر، از جمله شهرهایی هستند که بیشترین سابقه را در زمینه هنرهای چوبی بومی دارند. از این میان، فعالیت شهرهای نور، چمستان، چالوس، قائم شهر و سوادکوه، بیشتر است. به طوری که هنری مثل چوتاشی که در مازندران، رو به فراموشی است، از سوی برخی از استادکاران مستقر در مناطق نور، چمستان و سوادکوه همچنان مورد اقبال و توجه است. بر این اساس، گستره پژوهش حاضر شامل مناطق نامبرده بویژه نور، چمستان و سوادکوه است که هنوز زندگی هنرهای چوبی بومی در آنها جاری است و نفس گرم هنرمند



دست فراموشی سپرده شده اند و یا در حال فراموشی و یا با مشکل عدم حمایت روبرو می باشند و نیز به دلیل عدم شناخت کافی و برخورد علمی و هنری از کیفیت مطلوب افتاده اند. با وجود جمعیت شاغل حدود چهار میلیون نفر در بخش صنایع دستی کشور و نقش موثری که آنان در تولید ناخالص ملی و صادرات غیرنفتی کشور دارند رویکرد علمی در این باب، بسیار اندک و بعضاً غیرملموس است و بهترین دلیل گویای این امر، ضعف و یا کمبود آثار پژوهشی در این زمینه است.

پرواضح است که پژوهش مذکور می تواند عامل موثری برای جبران بخشی از نارسایی های مذکور و نیز تشویق و ترغیب بیشتر محققان، هنرمندان و هنردوستان این دسته از رشته های هنرهای سنتی از جمله هنرهای چوبی بومی مازندران باشد.

با وجود این که این هنرها سالیان دراز، یکی از پیشه های اساسی مردم مازندران محسوب می شده و عده ی زیادی به آن اشتغال داشته اند و محصولات آن در سطح منطقه و کشور و حتی خارج از کشور، مورد توجه فراوان بوده است، اما متأسفانه همین صنعت و هنر زیبا و اصیل که در طول تاریخ شهره ی عام و خاص بوده، هم اکنون رو به فراموشی است و فقط اندکی از روستائیان کهنسال در حاشیه ی جنگل ها، بدین کار می پردازند. تردیدی نیست، چنان چه این استادکاران اندک شمار از بین بروند، به طور کلی این هنر نیز از بین خواهد رفت. موقعیت ممتاز جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و مردم شناسی مازندران، وجود چوب های متنوع در جنگل های با ارزش این منطقه و بوم آورد بودن مصالح مورد استفاده، هم چنین ذوق سرشار هنرمندان این سرزمین در خلق آثار چوبی با سبک و شیوه های خاص، استفاده از نقش ها و طرح های منحصر به فرد که برگرفته از طبیعت متنوع منطقه و اندیشه و آداب و سنت های این مردمان می باشد و در نهایت ساخت اشیاء متنوع چوبی برای کاربردهای مختلف در زندگی، امور منزل، کشاورزی و دامپروری و فعالیت های هنری و فراغتی، همه و همه گویای ارزش های ویژه ی هنرهای چوبی استان مازندران است. شخصیت ویژه ای که در هنرهای چوبی این منطقه به چشم می خورد، زمینه های فراوانی را برای فعالیت های رسانه ای در این باب به هدف توسعه ی اشتغال زایی - به ویژه در میان جوانان - حفظ فرهنگ و آداب و رسوم و اندیشه های دلپسند و شیرینی که در دل این آثار نهفته است، افزایش احساس خودباوری و استعداد های بالقوه با پیش زمینه های تاریخی و فرهنگی منطقه در میان نسل جوان، معرفی و انتقال فرهنگ و هنر بومی به گردشگران و علاقه مندان هنرهای زاد و بوم و در نهایت تقویت احساس خوب شمالی زیستن در میان هر ایرانی و حتی غیر ایرانی فراهم می سازد.

آن چه در این پژوهش در قالب هشت فصل و مباحث گسترده در باب مطالعات تاریخی، مردم شناسی، چوب شناسی، فن شناسی چو تاشی و هنرهای چوبی مرتبط مورد بررسی قرار گرفته است، گویای این نتایج می باشد که:

۱- ویژگی های اقلیمی منطقه ی مازندران سبب گردیده است تا در طول تاریخ از نعمت های فراوان طبیعی نظیر جنگل های انبوه، دشت های سرسبز و آب فراوان برخوردار گردد. وجود چنین استعداد طبیعی غیرقابل وصف، منابع سرشار و متنوع، چوب را برای کاربردهای مختلفی چون ساختمان سازی، پل سازی، عمران و آبادی و فعالیت های هنری فراهم نموده است. از سوی دیگر اعتقاد

- در فصل ششم مثبت کاری روی چوب، مواد اولیه و بازار، طرح ها و فنون ساخت بررسی شده است.

- فصل هفتم گره چینی و مشبک کاری و جزئیات آن را مطالعه کرده است.

- و در فصل هشتم معرق کاری روی چوب مطالعه و بررسی شده است.

پژوهشگران در این گزارش، به دنبال دستیابی به هفت هدف عمده هستند که فهرست آنها به قرار زیر است:

۱. معرفی و شناساندن جامع هنرهای چوبی و بومی مازندران
۲. دسترسی ساده به اطلاعات جامع در خصوص هنرهای چوبی بومی منطقه از حیث تاریخی، مردم شناسی، چوب شناسی، فن ساخت و اصطلاح شناسی به همراه مجموعه ای از عکس ها و طرح های برگرفته در پژوهش میدانی.

۳. نگاه مقایسه ای و تطبیقی به هنرهای چوبی بومی مازندران از حیث تاریخی، مردم شناسی، فن شناسی و اصطلاح شناسی با سایر استان های همجوار- به ویژه استان گیلان.

۴. بهره مندی مناسب و آسان از اطلاعات به دست آمده برای آموزش و اطلاع رسانی به همه ی پژوهشگران علاقه مند داخلی و خارجی هنرهای سنتی.

۵. تلاش در جهت اثر گذاری بنیادین بر برنامه های توسعه ی فرهنگی و اقتصادی منطقه، تقویت و توسعه ی اقتصاد بدون نفت و افزایش صادرات غیرنفتی و نیز تقویت و توسعه صنعت گردشگری شمال ایران به ویژه مازندران.

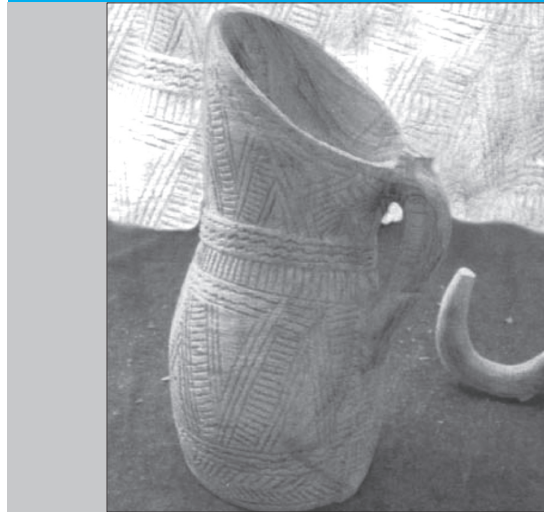
۶. بهره مندی از نتایج علمی و پژوهشی و نیز منابع تصویری طرح در جهت تهیه و ساخت مجموعه های مستند علمی سینمایی، رادیویی و تلویزیونی.

۷. بهره مندی از مطالعات تاریخی، مردم شناسی، مصالح شناسی، فن شناسی و نیز منابع غنی تصویری طرح به منظور استفاده از محتوای آن در قالب سوژه های تصویری، داستانی و فیلم سازی برای ساخت مجموعه های سینمایی، تلویزیونی و رادیویی.
در سطور آتی نگاهی اجمالی داریم به یافته های این گزارش پژوهشی:

در حال حاضر جمعیتی نزدیک به ده میلیون نفر در کشورمان به تولید صنایع دستی مشغول هستند. جمعیت خلاق و تولید کننده ای با چنین کمیت، هدایت، نظارت و اطلاعات علمی در خوری را می طلبد تا پاسخگوی نیاز جامعه ی تولید کنندگان، توزیع کنندگان، بهره گیرندگان از آثار صنایع دستی، علاقه مندان و دوست داران فرهنگ و هنر ایران زمین باشد. هم چنین وجود فرهنگ غنی در هنرهای سنتی و ارتباطی که می تواند با مردم دیگر نقاط جهان برقرار کند، ضرورت سازماندهی و تأمین منابع پژوهشی و اطلاع رسانی در این باب در قالب پژوهشی، کتاب و جزوه های معتبر علمی، مجلات، پایگاه های اینترنتی و نرم افزارهای رایانه ای، فیلم های مستند، روایی و داستانی تلویزیونی و سینمایی، برنامه های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، هنری، رادیویی و تلویزیونی را بیشتر می نمایاند. از سوی دیگر، گسترش مراکز آموزش و پژوهش صنایع دستی و فراهم شدن زمینه های علمی معرفی صنایع دستی حوزه ی دریای خزر به دستداران این هنرها در داخل و خارج کشور، لزوم توجه به پژوهش گسترده و جامع را فزونی می بخشد.

بسیاری از هنرهای سنتی، دستی و بومی استان مازندران، یا به





می دهد که عامل رونق بسیاری از هنرهای سنتی ناشی از نیازهایی است که در قالب فرهنگ و آداب و رسوم زندگی به صورت سینه به سینه تعریف شده است. آداب و رسوم، جشن ها، دید و بازدیدها و مهمانی های مرتبط با خواستگاری و ازدواج، جهیزیه ی عروس، نذر، وقف و مناسبت های مذهبی، باورهای عمومی، نیازهای روزمره و رونق بازارهای محلی، بازی ها و سرگرمی های مختلف، ضرب المثل ها، چیستان ها، ترانه ها و ... از جمله قیدها و بهانه هایی است که انگیزه ی خلق و کاربرد هنرهای سنتی را افزایش می داده است.

۷- جایگاه اجتماعی هنرمندان، اعتقادات و باورها در مورد نحوه و زمان خلق هنرهای سنتی دیگر، آداب و رسوم خاص هنرهای سنتی، تزیینات و نقش های مربوط با اعتقادات و باورهای مردمی بر هنرهای مختلف، ضرب المثل ها، حکایت ها و افسانه ها و ابزارهای مورد استفاده و نیز ترانه ها و آوازهای عامیانه و کارآواهایی که در هنگام کار و خلق هنرهای سنتی دیگر خوانده می شوند، همه و همه عواملی می باشند که در طول تاریخ زمینه های خلق و آفرینش هنرهای سنتی منطقه را فراهم آورده اند. هنرهایی که ریشه در باورها، عشق ها، شادی و غم های مردم دارند و نیز تعادل در تقاضا و عرضه ی این آثار را تداوم و توسعه بخشیده اند.

تأثیر این عوامل به قدری در کیفیت آفرینش هنرهای سنتی محسوس می باشد که در تمامی مراحل خلق آنها، آثار باورها، اندیشه ها، فرهنگ ها، مهاجرت ها، شادی ها، اندوه ها، عشق و آرزوها در قالب هایی چون شکل، نقش، رنگ، بافت، ابزار و محصولات تولید شده، به وضوح نمایان است. با این توضیح پیشنهادها و توصیه های ارزشمند زیر با تأکید بر بهره گیری در رسانه ی ملی نیز در گزارش ارائه شده است:

۱- معرفی و شناساندن جنبه های هنری از دیدگاه زیباشناسی، بصری و تزیینی (کاربردی، اقتصادی) و مردم شناسی هنرهای چوبی با ساخت مستندهای تلویزیونی، گزارش های خبری و میزگردهای کارشناسی و تخصصی در تلویزیون و رادیو.

۲- کاربرد جنبه های بصری، تزیینی و نیز کاربردی و مردم شناسی این هنرها در ساخت برنامه های نمایشی و یا داستانی تلویزیونی و رادیویی

۳- توجه به جنبه های نایاب هنری و تصویری موجود در هنرهای چوبی بومی مازندران و تشریح مباحث زیباشناختی آنها از طریق رسانه ها.

۴- توجه به تنوع محصولات و ارزش های هنری، تزیینی و کاربردی و فرهنگی دست ساخته های چوبی بومی منطقه.

۵- نگاه ویژه به ارزش بوم آورد بودن مواد و مصالح مورد استفاده، با توجه به ضرورت ها و ملاحظات زیستی، فرهنگی و اقتصادی منطقه.

۶- در نظر گرفتن ارتباط تنگاتنگ هنرهای چوبی منطقه با فرهنگ و آداب و رسوم بومی و اعتقادات و سنت های غم و شادی مردم منطقه که می تواند موضوع های متنوع فراوانی از جمله داستان، مستند، گزارش و ... را در خود جای دهد.

۷- تلاش در جهت فراهم شدن زمینه های علمی و تخصصی با معرفی و آموزش هنرهای صنایع حوزه ی دریای مازندران به دستاران این هنرها در داخل و خارج از کشور با توجه به نیاز برنامه سازی برای رسانه های برون مرزی.

به تقدس درخت که از دیرباز در این کهن دیار رواج داشته و ریشه در تاریخ قبل از اسلام دارد، و درختانی چون چنار، سرو و شمشاد و ... پیوسته در طول تاریخ از تقدس و احترام خاصی برخوردار بوده اند، توجه به هنرهای چوبی -بوئژه چوتاشی در منطقه ی مازندران را به درازای تاریخ کشانده است.

۲- معماری و هنرهای چوبی مازندران در گذر تاریخ، پیوسته زباند خاص و عام بوده و تحفه های چوبی آن، به ویژه محصولات چوتاشی در کنار هنرهای صنایع دیگر از جمله: سفال، فرش، جاجیم، گلیمچه، گلیم، نمد، مروار، حصیر و قلمزنی و ... در بازارهای ایران و سرزمین های مجاور شهره بوده است.

۳- چوب و هنرهای مختلف آن - به ویژه چوتاشی - به همراه دیگر اقلام چون سیر، برنج، کنار، پرندگان دریایی، ماهی تا قرن چهارم ه. ق از جمله محصولات اهالی طبرستان بوده و از قرن چهارم ه. ق تربیت کرم ابریشم و تولید پارچه های پشمی و انواع پوشاک و دستار و نیز تهیه ی ظرف های چوبی از قبیل کاسه و اشیای دیگر که آنها را از چوب شمشاد می ساخته اند، در این سرزمین رواج فراوان داشته است.

۴- چوتاشان در تاریخ طبرستان از شهرت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده اند. آن قدر که مردم مازندران را در هنرهای چوبی آن - به ویژه چوتاش - می شناخته اند. چوتاشی یا کنده کاری چوب از جمله هنرهای بسیار اصیلی است که از گذشته های دور تا به حال در برخی روستاها و شهرهای مازندران رواج داشته است. سادگی و اصیل بودن آن از حیث مواد اولیه، ابزار، فن ساخت و نقش های مورد استفاده، نمایانگر آن است که اصالت آفرینش آن به ویژه در منطقه ی مورد مطالعه از قدمت زیادی برخوردار است. وجود درختانی چون مارو، ممرز، انجیلی، توسکا، شمشاد، افرا، نمدار، نارون، ملج، اوجا، شاه بلوط، راش، بید، آزاد، سدر و ... در جنگل های انبوه مازندران، نعمت های عزیزی است که مورد استفاده ی هنرمندان چوب کار- به ویژه چوتاشان- قرار می گیرند.

۵- نکته ی جالب توجه دیگر درباره ی چوتاشی، مردم شناسی و تأثیر متقابل آن بر یکدیگر است. کارچوتاشی شاید بهانه ای باشد برای بهتر زیستن و با هم بودن و به نیکی ها اندیشیدن. زیرا در دل این کار، رفتارهای ارزشمند اجتماعی و یا فردی نهفته است که خود می تواند مولد یک فرهنگ و تمدن توانمند انسانی باشد.

۶- مطالعات تاریخی و مردم شناسی هنرهای سنتی منطقه، نشان